

به نام خدا



۱۰۱

بازی برای بداهه‌پردازی

برای کودکان و بزرگسالان

سرگرمی و خلاقیت با بداهه‌پردازی و حرکت

باب بدوره

ترجمه: حسین فدایی حسین

www.saberinbooks.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار ۷

مقدمه / اصول ۹

بازی‌های دست‌گرمی

۲۸	قدم زدن	۱
۲۹	چه کار می‌کنی؟	۲
۳۱	آن چیست؟	۳
۳۲	کجاست؟	۴
۳۳	مجسمه نابینا	۵
۳۴	بشمارید	۶
۳۵	خوشبختانه / بدبختانه	۷
۳۶	قصه یک کلمه‌ای	۸

بازی‌های تمرینی

۳۸	هر صحنه‌ای	۹
۳۹	ایستگاه اتوبوس	۱۰
۴۰	از سرگروه پیروی کنید	۱۱
۴۱	مفت سوار	۱۲
۴۲	جمله یک کلمه‌ای	۱۳
۴۳	حرف بزنی یا بمیر	۱۴
۴۴	برچسب	۱۵
۴۵	آژانس تبلیغاتی	۱۶

بازی‌های احساسی

۴۸	صحنه‌های احساسی	۱۷
۴۹	حد و مرزهای احساسی	۱۸
۵۰	تکرار احساسی	۱۹
۵۱	قصه‌گویی احساسی	۲۰
۵۲	قیافه گرفتن	۲۱
۵۳	صحنه متنی	۲۲

بازی‌های بدنی

۵۶	ایست!	۲۳
۵۸	ایست! اجرای معکوس	۲۴
۶۰	عروسک‌های متحرک‌سازی	۲۵
۶۱	اندام‌های فوق بشری	۲۶
۶۲	دنیای صفحه‌ای	۲۷
۶۳	بداهه‌سازی المپیک	۲۸

۶۴	ایستادن، نشست، خم شدن	۲۹
۶۵	بدلکار	۳۰
۶۶	دستان کمکی	۳۱

بازی‌های پایه

۶۸	نمایش مسخره حیوانات	۳۲
۶۹	لابه‌لای خطوط متن	۳۳
۷۱	جمله اول، جمله آخر	۳۴
۷۲	لحظه تحویل جایزه اسکار	۳۵
۷۳	تکه‌های کاغذ	۳۶
۷۴	اخبار داستانی	۳۷
۷۵	دادگاه	۳۸
۷۶	ستون‌های سخن‌گو	۳۹
۷۷	از سوفلور (متن‌رسان) بپرس	۴۰

بازی‌های شخصیتی

۸۰	پلیس حیوانات	۴۱
۸۱	توصیه نادرست	۴۲
۸۲	شخصیت‌ها و هدف‌ها	۴۳
۸۳	شغل قدیم / شغل جدید	۴۴
۸۴	الآن می‌آید	۴۵
۸۵	کابوس تست بازیگری	۴۶

بازی‌های گروهی

۸۸	ملاقات دوتایی	۴۷
۸۹	پیشگو	۴۸
۹۰	مترجم نمایش تلویزیونی	۴۹
۹۱	همه به یک صدا حرف بزنند	۵۰
۹۲	مسابقه هجی کردن	۵۱
۹۴	دوبله سه‌گانه	۵۲

بازی‌های آوازی

۹۶	آواز بلوز	۵۳
۹۸	دا دوو ران ران	۵۴
۹۹	اپرای زرگری	۵۵
۱۰۰	لابه‌لای متون موزیکال	۵۶
۱۰۱	شیء خواستی	۵۷
۱۰۲	هیولای سه‌سر	۵۸

حفظ هشیاری (گوش‌به‌زنگ بودن)

۱۰۴	گویش‌های مضحک	۵۹
۱۰۵	سبک‌های سینما و تلویزیون	۶۰

۱۰۶	مشاغل	۶۱
۱۰۷	مرکز خرید	۶۲
۱۰۸	چهار راه برای مردن	۶۳
۱۰۹	دروغ‌سنج	۶۴
۱۱۰	شکنجهٔ مودپانه	۶۵
۱۱۱	ابر قهرمانان	۶۶
۱۱۲	سمفونی اصطبل	۶۷
۱۱۳	تلفیق ژانرها	۶۸

بازی‌های حدسی

۱۱۶	کارت بازی	۶۹
۱۱۷	دیر سرِ کار رسیدن	۷۰
۱۱۸	راز قتل	۷۱
۱۱۹	شخصیت‌های عجیب در اخبار	۷۲
۱۲۰	شخصیت‌های عجیب در مهمانی	۷۳
۱۲۱	درخواست کمک	۷۴
۱۲۲	واحد مرجوعات	۷۵
۱۲۴	دارم چه کار می‌کنم؟	۷۶

بازی‌های روایی

۱۲۶	دنبالهٔ قصهٔ عامیانه	۷۷
۱۲۷	پشت‌صحنهٔ قصهٔ عامیانه	۷۸
۱۲۹	زندگینامهٔ E و A	۷۹
۱۳۱	جذاب کردن	۸۰
۱۳۲	نقش آفریننده	۸۱
۱۳۳	نویسندهٔ کتاب جلدکاغذی (شومیز)	۸۲
۱۳۵	نمایش اسلایدها	۸۳
۱۳۶	بلوف‌های تاریخی	۸۴

بازی‌های ذهنی

۱۳۸	دکتر سوس	۸۵
۱۳۹	کسی سؤالی ندارد؟	۸۶
۱۴۰	جملات محدود	۸۷
۱۴۱	شکسپیر خود را برانگیزید	۸۸

بازی‌های عجیب

۱۴۴	حوض چسب	۸۹
۱۴۵	سطل آب	۹۰
۱۴۶	مردگان	۹۱
۱۴۸	همزاد (دوقلوی) بدجنس	۹۲
۱۴۹	اخلال‌گرها	۹۳

۱۵۰ ستایش ابرقهرمان ۹۴

بازی‌های صفی

۱۵۲ گروه ... ها ۹۵

۱۵۳ پوشیدن یک عالمه کلاه ۹۶

۱۵۴ کانون ۹۷

۱۵۵ تودهٔ وسایل ۹۸

۱۵۶ صحنه‌های نامرئی ۹۹

۱۵۷ شعارهای بعید ۱۰۰

۱۵۸ بدترین‌های دنیا ۱۰۱

بازی جایزه

۱۶۰ قصه‌پردازی ۱۶۰

۱۶۲ شگردهای پیشرفته ۱۶۲

۱۷۷ اجرای نمایش ۱۷۷

پیشگفتار

اولین آشنایی‌ام با «بداهه» را خوب به یاد می‌آورم. انگار همین دیروز بود، اما در واقع سال‌ها پیش اتفاق افتاد.

دانش‌آموز سال دوم دبیرستان بودم که در کلاس مقدماتی درام شرکت کردم. نمی‌دانستم اجرا دوست دارم یا نه، فقط چون پدرم گفته بود به آن کلاس می‌رفتم. تازه به خانه جدید نقل مکان کرده بودیم و به‌خاطر جدا شدن از دوستانم افسرده بودم. پدرم می‌گفت که بسیاری از بچه‌های اجتماعی و خونگرم به کلاس درام می‌روند. خلاصه اینکه، سعی می‌کرد راهی بیابد تا دوستانی جدید برای پسرش پیدا کند.

به این ترتیب بود که به کلاس درام رفتم. یک‌بار مربی گفت: «می‌خواهیم کاری کنیم که بداهه نام دارد.» او هیچ مقدمه‌ای در مورد بداهه نگفت، تنها چند دانش‌آموز را انتخاب کرد، که من هم بین آن‌ها بودم و گفت: «تصور کنید همه شما مرغ‌هایی در خانه حیوانات گمشده هستید.» همه بچه‌ها خیلی زود شخصیت مرغ به خود گرفتند، صدای مرغ درمی‌آوردند و مثل مرغ راه می‌رفتند.

فکری به ذهنم خطور کرد. به‌طرف یکی از مرغ‌ها خم شدم و گفتم: «امشب می‌خواهم از اینجا فرار کنم، با من می‌آیی؟» بقیه مرغ‌ها لحظه‌ای به این مرغ کوچولو که فکری برای فرار داشت نگاه کردند و فهمیدند آن‌ها هم می‌توانند مثل من باشند. خیلی زود همه ما، متحد و باهم، نقشه‌ای جالب برای فرار کشیدیم. احساس می‌کنم انرژی آن لحظه تا امروز همراه من است.

به‌زودی از کسی که می‌خواست فقط نویسنده ورزشی باشد به فردی تبدیل شدم که به‌خاطر «صحنه» زندگی می‌کرد. سعی می‌کردم در حرکتی که آغاز شده بود، پیشرفت کنم. حتی با کمک هزینه روزنامه‌نگاری به دانشگاه یوتا^۱ رفتم و دستیار مدیر اطلاعات ورزشی شدم. اما اگر این کتاب را می‌خوانید، حتماً می‌دانید که تاثیر چیزی است که هرگز نمی‌توانید خود را از آن برهانید. در سال ۱۹۹۴ یک گروه کم‌دی بداهه تشکیل دادم که اکنون به کوئیک ویتز^۲ معروف است. ما متخصص بداهه سریع و خنده‌دار و رودررو هستیم. به مدت نه سال، به گونه‌ای خستگی‌ناپذیر، هر آخر هفته بداهه اجرا می‌کردم؛ و اکنون می‌خواهم در این کتاب عشق خود را نسبت به بداهه ابراز کنم. جوهری که این سطور را می‌نگارد ممکن است روزی محو شود، اما اگر بخشی از اشتیاق و هیجان من برای این‌گونه از هنر در شما اثر کند، بسیار خوشحال خواهم شد و شما نیز بسیار لذت خواهید برد.

پس در صفحات این کتاب باید انتظار یافتن چه چیزی را داشته باشید؟

در بخش اول اصول بداهه بررسی می‌شود. چند قسمت اول تعریف بداهه است، اینکه از کجا آمده و چرا مهم است. سپس قسمت ویژه تدریس بداهه به بچه‌ها ارائه می‌شود. قسمت پایانی از بخش اول، که مهم‌ترین قسمت است، به‌طور اجمالی چند قانون و راهنمایی برای مبتدیان بداهه بیان می‌گردد. این قوانین بلوک‌های ساختمانی‌ای هستند که بداهه‌پردازان می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند تا از هیچ،

1. Utah
2. Quick Wits

صحنه‌ای بسازند. حتی اگر بداهه‌پرداز با سابقه‌ای هستید، توصیه می‌کنم حداقل نیم‌نگاهی به این قوانین بکنید. پس از ده سال اجرا فهمیده‌ام که همیشه چیز جدیدی برای یادگرفتن هست.

بخش دوم شامل بازی‌ها می‌شود. کتاب بازی کوئیک ویتز ما اکنون بالغ بر چهارصد بازی دارد که خود ما روی صحنه اجرا کرده‌ایم. بنابراین انتخاب صدویک بازی از بین آن‌ها کار دشواری بود. برای بازیگران مبتدی، متوسط و پیشرفته، ترکیبی از بازی‌های مختلف انتخاب کرده‌ام. حتی چند بازی تقریباً غیرممکن هم ارائه شده تا نمایی کلی از بازی‌ها به شما داده شود.

بخش سوم برخی تکنیک‌های پیشرفته که در کوئیک ویتز به کار می‌بریم را توضیح می‌دهد تا در هر بازی تأثیر بیشتری داشته باشیم. همچنین چگونگی انعطاف‌پذیر کردن بخشی از قوانین برای مبتدیان را بررسی می‌کنیم. همهٔ این قوانین بدین منظور طراحی شده‌اند تا به بداهه‌پردازان باتجربه کمک شود «خارج از جعبهٔ سیاه فکر کنند».

در پایان، در بخش چهارم، به برخی عناصر خلق موفق یک نمایش بداهه نگاهی می‌اندازیم. در این فصل یاد می‌گیرید چگونه یک گروه را جمع کنید، تمرین‌ها را انجام دهید و باهم نمایشی اجرا کنید. همچنین دربارهٔ نقش اساسی بازیگردان بحث خواهیم کرد.

امیدوارم از این سفر لذت ببرید. سفر من، مرا از پسری دبیرستانی به یک کهنه‌کار با سابقهٔ بیست‌وسه سال اجرا روی صحنه رسانده است. طی تمام این سال‌ها هرگز بیشتر از سه ماه بدون درگیری با گونه‌ای از نمایش نبوده‌ام. از زمانی که بر روی صحنه رفته‌ام این شانس را داشته‌ام که با همسرم آشنا شوم، برخی از وفادارترین دوستانم را پیدا کنم و حتی اجراهایی با سه پسر داشته باشم. من در فیلم‌هایی بازی کردم، به مدت دو سال مجری یک برنامهٔ کودک از تلویزیون بودم، دوازده سال در رادیو کار کردم، تأثیرهایی دارم و بیشتر از آنچه که قابل تصور باشد لذت برده‌ام.

باب پدوره